



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

راستی گویان

زندگی گالی
چهار ده معصوم
علیهم السلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



اصغر رحمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه کمال

نویسنده:

اکبر دهقان

ناشر چاپی:

زائر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۷ آینه کمال
۷ مشخصات کتاب
۷ امام حسن عسکری از ولادت تا شهادت
۷ عظمت امام عسکری
۸ سیره‌ی عملی امام
۸ احترام به سادات
۸ عبادت امام
۸ احسان امام
۹ تفسیر منسوب به امام عسکری
۱۰ شاگردان و اصحاب امام عسکری
۱۰ سخنان امام عسکری
۱۱ خفقان شدید در زمان امام عسکری
۱۱ قیام علویان در عصر امام عسکری
۱۱ معجزات امام
۱۱ اخبار از غیب
۱۲ سخن گفتن به زبان‌های مختلف
۱۲ نجات یافتن ابوهاشم از زندان
۱۲ استجاب دعا
۱۲ احسان به ابوهاشم جعفری
۱۳ تحول روحی شکنجه‌گران امام عسکری
۱۳ شهادت امام حسن و سه نشانه‌ی امامت حضرت مهدی
۱۴ حرم عسکریین

۱۴	ضریح
۱۴	حرم مطهر
۱۴	قبه و بارگاه
۱۴	رواق
۱۴	صحن
۱۵	سرداب مطهر
۱۵	پاورقی
۱۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

آینه کمال

مشخصات کتاب

سرشناسه: دهقان، اکبر، ۱۳۴۴ -
 عنوان و نام پدیدآور: آینه کمال/ اکبر دهقان.
 مشخصات نشر: قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری: ۳۴۹ ص.
 فروست: انتشارات زائر آستانه مقدسه؛ ۵۱.
 شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۶-۴۲-۶۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸
 یادداشت: عنوان روی جلد: آینه کمال زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام.
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
 عنوان روی جلد: آینه کمال زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام.
 موضوع: ائمه اثنا عشر -- سرگذشتنامه
 شناسه افزوده: آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۸۷۲۹د/ BP۳۶/۵
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۲۹۲۷۳

امام حسن عسکری از ولادت تا شهادت

امام حسن عسکری علیه السلام در هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ در مدینه چشم به جهان گشود و در سال ۲۵۴ هجری به امامت رسید. مدت امامت حضرت ۶ سال طول کشید و در سال ۲۶۰ به دست معتمد عباسی شهید شد. امام حسن عسکری علیه السلام در این مدت با سه طاغوت ستمگر مواجه بود: ۱- معتز عباسی فرزند متوکل، حدود یک سال ۲- مهتدی، نزدیک به یک سال ۳- معتمد (احمد پسر متوکل) که مدت خلافتش ۲۳ سال طول کشید و همزمانی امامت حضرت عسکری با او ۴ سال طول کشید. آن حضرت در برابر هر سه نفر کاملاً ایستادگی کرد و شکنجه‌ها و زندان‌های مختلف را تحمل کرد، اما هیچ یک را تأیید نکرد. آنان بارها تصمیم به قتل حضرت گرفتند، حتی معتز به مأمور خود فرمان داد که امام عسکری را به سوی کوفه ببرد سپس در جای خلوتی گردنش را بزند، لکن وی موفق به کشتن حضرت نشد. [صفحه ۲۲۶] امام عسکری علیه السلام درباره‌ی هر سه خلیفه، نفرین کرد که خداوند عمر هر سه را کوتاه کند. از این رو، همگی با ذلت به هلاکت رسیدند. شایان گفتن است که امام عسکری علیه السلام از دوران خردسالی همراه پدرش در سامرا بود، ۲۲ سال در حیات پدرش و ۶ سال بعد از آن زندگی کرد. [۱].

عظمت امام عسکری

احمد بن عیبدالله بن خاقان پس از آن که احترام و تکریم زیادی از پدرش نسبت به امام علیه السلام مشاهده کرد، از پدرش پرسید: این شخص کیست که این اندازه او را تکریم کردی؟ گفت: او حسن بن علی است، اگر خلافت از بنی عباس بیرون رود، کسی جز

او شایسته‌ی امامت نیست، زیرا دارای فضایل و کمالاتی فراوان است. احمد می‌گوید: من از قضات، نویسندگان، ارتشیان، بنی‌هاشم و... درباره‌ی امام علیه‌السلام سؤال می‌کردم و همه او را در نهایت بزرگی و عظمت و کمال علمی و عملی می‌ستودند؛ «فعظم قدره عندی، اذ لم أر له ولیا و لا-عدوا و هو یحسن القول فیه و الثناء علیه»؛ از آن پس ارزش و مقام او در نظر من بزرگ شد. زیرا هیچ دوست و دشمنی نبود، مگر این که از آن حضرت به نیکی یاد می‌کرد و او را تمجید و تعریف می‌کرد. [۲]. [صفحه ۲۲۷]

سیره‌ی عملی امام

احترام به سادات

یکی از نوادگان امام صادق علیه‌السلام به نام «حسین بن ساکن» در قم مبتلا به شراب خواری بود. روزی برای حاجتی نزد احمد بن اسحاق، وکیل اوقاف در شهر قم، رفت، ولی احمد او را راه نداد و با غم و اندوه برگشت. در همان سال احمد بن اسحاق به حج رفت و در میان راه به سامرا رسید. اجازه خواست تا خدمت امام عسکری علیه‌السلام برسد، ولی امام به او اجازه نداد. احمد بسیار گریه کرد تا امام اجازه داد. همین که علت را جویا شد، امام فرمود: چرا تو پسرعموی ما را راه ندادی؟ گفت: به خدا قسم! او را رد نکردم مگر به سبب گناه او حضرت فرمود: راست می‌گویی، اما چاره‌ای نیست جز آن که به سادات احترام بگذاری. احمد بن موسی به قم برگشت و مردم به دیدن او آمدند، حسین بن ساکن نیز همراه آنان بود. تا چشم احمد بن اسحاق به او افتاد، او را در آغوش گرفت و او را بسیار احترام کرد. حسین از او پرسید: چرا روش تو درباره‌ی من عوض شده است؟ احمد بن اسحاق داستان دیدارش با امام عسکری علیه‌السلام را بیان کرد، از این رو، حسین نیز توبه کرد و از گناه خود دست برداشت. [۳]. [صفحه ۲۲۸]

عبادت امام

عبدالله بن خاقان به پسرش گفت: اگر خلافت بنی‌عباس سقوط کند، در میان بنی‌هاشم شخصی از امام عسکری برای خلافت شایسته‌تر نیست، به سبب فضل و بزرگواری و پاکدامنی و روزه و نماز و اخلاق و حلم و بردباری که از وی مشاهده می‌شود. محمد بن اسماعیل می‌گوید: امام عسکری در زندان روز را روزه می‌گرفت [۴] و شب را به عبادت می‌پرداخت و به هیچ کاری جز عبادت خدا نمی‌پرداخت. [۵]. عباسی‌ها بر صالح بن وصیف، زندانبان امام، وارد شدند و گفتند: مبادا به امام ترحم کنی. صالح گفت: من دو نفر از بدترین افراد را مأمور او کرده‌ام، ولی آنان نیز در عبادت و نماز و روزه به درجه‌ی بالایی رسیده‌اند وقتی از آنان پرسیدم که چرا شما تحول یافته‌اید؟ آنان گفتند: ما درباره‌ی کسی که تمام اوقات خود را به عبادت می‌گذرانند، چه بگوییم؟ وقتی به ما نگاه می‌کند، لرزه سر تا پای ما را فرامی‌گیرد و کنترل خود را از دست می‌دهیم. وقتی عباسیان این سخنان را شنیدند، سرافکنده شده و از تقاضای خود دست برداشتند. [۶]. [صفحه ۲۲۹]

احسان امام

الف: جعفر بن شریف جرجانی می‌گوید: در سامرا خدمت امام عسکری علیه‌السلام رسیدم و با من مقداری پول بود که شیعیان داده بودند تا به امام برسانم. پیش از آن که سخن بگویم، امام علیه‌السلام به من فرمود: پول‌ها را به خادم ما، مبارک بده. عرض کردم شیعیان شما در جرجان سلام می‌رسانند. حضرت فرمود: از امروز تا ۱۷۰ روز دیگر برمی‌گردی به جرجان و روز ورود تو سوم ربیع‌الثانی است. در آن روز به مردم اعلام کن که من در پایان همان روز به جرجان خواهم آمد و برای تو فرزند پسری متولد شده، او را «صلت» نام بگذار و او از اولیای ما خواهد بود. گفتم: یابن رسول‌الله! ابراهیم بن اسماعیل از شیعیان است و بسیار احسان

می‌کند، گاهی در سال بیش از صد هزار درهم انفاق می‌کند. حضرت فرمود: خدا به او جزای خیر دهد، سلام مرا به او برسان و به او بگو: برای تو فرزندی به دنیا می‌آید، او را «احمد» نام بگذار. راوی می‌گوید: از خدمت حضرت مرخص شدم و حج گزاردم و بعد از ۱۷۰ روز به جرجان رسیدم، دقیقا همان روزی که امام علیه‌السلام فرموده بود. چون دوستانم به دیدنم آمدند، داستان تشریف فرمایی امام علیه‌السلام را گفتم. شیعیان پس از نماز ظهر و عصر در منزل من اجتماع کردند و سؤالات خود را آماده کردند. [صفحه ۲۳۰] ناگاه امام علیه‌السلام وارد شد. شخصی به نام نصر بن جابر خدمت حضرت رسید و گفت: فرزندم کور شده است. حضرت دست مبارک را روی چشم او گذاشتند همانجا شفا یافت. پس از آن امام علیه‌السلام حوائج همگان را برآورد و همان روز به سامرا برگشت، با این که نماز ظهر و عصر را در سامرا خوانده بود. [۷]. ب: مرحوم کلینی روایت می‌کند از ابن کردی از محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه‌السلام که گفت: امر معاش بر ما تنگ شد، پدرم به من گفت: نزد امام عسکری برویم. زیرا نقل شده که آن امام خیلی سخاوتمند است. گفتم او را دیده‌ای؟ گفت: نه. وقتی به منزل حضرت رفتیم، پدرم در میان راه گفت: ما نیازمندیم و مناسب است که امام ۵۰۰ درهم به ما بدهد، ۲۰۰ درهم خرج لباس کنیم و ۲۰۰ درهم آن را برای ادای دین خود در نظر بگیریم و ۱۰۰ درهم دیگر را برای مخارج خود مصرف کنیم. من نیز در دل خود گفتم: ای کاش امام ۳۰۰ درهم به من بدهد، ۱۰۰ درهم برای لباس و ۱۰۰ درهم برای تهیهی مرکب سواری و ۱۰۰ درهم آن را خرجی روزانه قرار دهم. وقتی خدمت امام مشرف شدیم، حضرت به پدرم گفت: چرا تا به حال اینجا نیامدی؟ پدرم گفت: خجالت می‌کشیدیم. وقتی از محضر امام مرخص شدیم، غلام حضرت آمد و کیسه‌ی پولی [صفحه ۲۳۱] به پدرم داد که ۸۰۰ درهم در آن بود و آنچه را من و پدرم در راه با همدیگر گفت و گو کرده بودیم، از قول امام علیه‌السلام بیان کرد که فلان مبلغ برای فلان کار باشد. ابن کردی می‌گوید: وقتی آنان این معجزه‌ی امام علیه‌السلام را دیدند، به ایشان گفتم: آیا به امامت او معتقد شدید؟ گفتند: نه، ما هنوز به مذهب واقفیه باقی هستیم؛ «هذا أمر قد جرینا علیه». [۸]. ج: محمد بن حسن بن میمون می‌گوید: نامه‌ای به امام عسکری علیه‌السلام نوشتم و از تهیدستی و فقر شکایت کردم. سپس با خودم گفتم: مگر امام صادق علیه‌السلام نفرموده است: «الفقر معنا خیر من الغنی مع غیرنا و القتل معنا خیر من الحیاء مع عدونا»؛ یعنی فقر با ما بهتر از ثروت با دیگران و شهادت با ما بهتر از زندگی با دیگران است. حضرت پاسخ نامه را چنین نوشتند: «ان الله یخص أولیاءنا، اذا تکاثفت ذنوبهم بالفقر و قد یعفو عن کثیر منهم کما حدثتک نفسک، الفقر معنا خیر من الغنی مع عدونا و نحن کهف لمن التجأ الینا و نور لمن استبصر بنا و عصمة لمن استعصم بنا، من أحبنا کان معنا فی السنام الأعلی و من انحراف عنا فالی النار». [۹]. خداوند دوستان خودش را به هنگام ارتکاب گناه، به فقر مبتلا می‌سازد و از بسیاری از گناهان آنان می‌گذرد؛ همان گونه که تو در دل خود گفتی، فقر با ما بهتر از ثروت با دشمنان ما است و ما پناهگاه کسی هستیم که به ما [صفحه ۲۳۲] پناهنده شود و نور کسی هستیم که به ما بصیرت پیدا کند و نگهدار کسی هستیم که به ما اعتصام بجوید. هر کس ما را دوست بدارد، در مقام بالا-قرار می‌گیرد و هر آن که از ما منحرف شود، سرنوشت او جهنم خواهد بود. د: ابوهاشم جعفری می‌گوید: روزی به خدمت حضرت رسیدم و می‌خواستم از آن حضرت نقره‌ای بگیرم و انگشتری بسازم و به آن تبرک بجویم؛ اما فراموش کردم. چون برخاستم، امام علیه‌السلام انگشتری به من داد و فرمود: نقره‌ای می‌خواستی، ما انگشتر دادیم. نگین و اجرت ساختن آن را سودی کردی، ای ابوهاشم! گواریت باد. گفتم: سرور من گواهی می‌دهم که تو ولی خدا و امام من هستی، اطاعت شما را جزو دین خود می‌دانم. حضرت فرمود: ای ابوهاشم! خدا تو را پیامزد. [۱۰].

تفسیر منسوب به امام عسکری

آنچه اکنون از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام موجود است، تفسیر سوره‌ی فاتحه و قسمتی از سوره‌ی بقره است. در انتساب این تفسیر به آن حضرت دانشمندان اختلاف دارند. زیرا برخی از روایات آن مشکوک به نظر می‌رسد. مرحوم حاج میرزا

حسین نوری، مؤلف مستدرک الوسائل، آن را معتبر [صفحه ۲۳۳] می‌داند. یکی از دلایل او این است که بسیاری از علما مانند شیخ صدوق در «من لا یحضره الفقیه»، مرحوم مجلسی قدس سره در «بحار»، شیخ حر عاملی در «وسائل» و ابن شهر آشوب در «مناقب» آن را جزء مصادر خود قرار داده‌اند. مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی نیز این تفسیر را معتبر می‌داند، با این تفاوت که می‌گوید: در حقیقت دو تفسیر بوده یکی تفسیر امام هادی علیه‌السلام که ۱۲ جلد آن نابود شده است و دیگری تفسیر منسوب به امام عسکری علیه‌السلام، برخلاف محدث نوری که گمان کرده یک تفسیر است. این تفسیر معتبر باشد یا نه، روایات معتبری نیز در آن وجود دارد. از جمله روایتی که مربوط به شرایط فقیه و مرجع تقلید است؛ «فأما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدينه مخالفا على هواه مطيعا لأمر مولاه، فللعوام أن يقلدوه و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لاجمعهم». هر فقیهی که نفس خود را از هوی و هوس نگه دارد و دین خویش را حفظ کند و اطاعت فرمان خداوند را بنماید عوام مردم باید از او تقلید کنند (البته این چنین شرایطی مخالفت با هوی و هوس و حفظ دین و اطاعت الهی) در برخی از فقهاء یافت می‌شود. [۱۱].

شاگردان و اصحاب امام عسکری

شیخ طوسی شاگردان امام عسکری علیه‌السلام را حدود ۱۰۰ نفر ذکر کرده است. [صفحه ۲۳۴] علامه‌ی قزوینی ۲۶۳ نفر از اصحاب و شاگردان امام عسکری علیه‌السلام را با شرح کوتاهی از هر یک بیان کرده است در اینجا به نام چند نفر از شاگردان برجسته آن امام بزرگوار اشاره می‌کنیم: ۱- احمد بن اسحق قمی ۲- ابوهاشم جعفری ۳- قاسم جعفری ۴- ابو عمر ۵- عثمان بن سعید عمری ۶- علی بن جعفر ۷- محمد بن حسن صفار ۸- حسین بن روح نوبختی ۹- اسحق بن ربیع کوفی ۱۰- عبدالله بن جعفر حمیری ۱۱- داود بن ابی یزید نیشابوری ۱۲- اسحق بن اسماعیل نیشابوری ۱۳- فضل بن شاذان

سخنان امام عسکری

۱- «ان الوصول الى الله عزوجل سفر لا یدرک الا بامتطاء اللیل»؛ [۱۲] رسیدن به خدا مستلزم سفری است که میسر نمی‌شود، مگر برای کسی که شب را مرکب خود قرار دهد، یعنی نماز شب و مناجات شبانه داشته باشد. ۲- «من رضی بدون الشرف من المجلس، لم یزل الله و ملائکته یصلون علیه حتی یقوم من المجلس»؛ [۱۳] کسی که به جاهای پایین مجلس راضی باشد، خداوند و فرشتگان همواره بر او درود می‌فرستند تا از آنجا برخیزد. [صفحه ۲۳۵] ۳- «الاشراک فی الناس أخفی من دیب النمل علی المسح الأسود فی اللیلة المظلمة»؛ [۱۴] شرک در میان مردم از حرکت مورچه بر جاده‌های سیاه در شبی تاریک، پنهان‌تر است. ۴- «أورع الناس من وقف عند الشبهه، أعبد الناس من أقام علی الفرائض، أزهد الناس من ترک الحرام، أشد الناس اجتهادا من ترک الذنوب»؛ [۱۵] پرهیزکارترین مردم آن است که از در افتادن به شبهه‌ها اجتناب ورزد، عابدترین شخص کسی است که واجبات خود را انجام دهد زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری کند، کوشاترین فرد کسی است که گناهان را ترک کند. ۵- «لیست العبادة کثرة الصیام و الصلاة، و انما العبادة کثرة التفکر فی أمر الله»؛ [۱۶] عبادت به نماز و روزه‌ی فراوان نیست، بلکه عبادت به اندیشیدن بسیار است. ۶- «لیس من الأدب اظهار الفرح عند المحزون»؛ [۱۷] شادمانی کردن نزد شخص غمناک، بی‌ادبی است. ۷- «لا تکرّم الرجل بما یشق علیه»؛ [۱۸] هیچ انسانی را به آن چیزی که بر او سخت است، اکرام مکن. ۸- «قلب الأحمق فی فمه و فم الحکیم فی قلبه»؛ [۱۹] دل انسان احمق در زبان او، و زبان شخص حکیم در دل او است. [صفحه ۲۳۶] ۹- «لا یشغلك رزق مضمون عن عمل مفروض»؛ [۲۰] روزی ضمانت شده‌ی الهی تو را از وظیفه‌ی واجب باز ندارد. ۱۰- «لا تمار فیذهب بهاؤک و لا تمازح فیجتري علیک»؛ [۲۱] جدال مکن. چون قدر و منزلت تو را نابود می‌سازد و شوخی مکن. زیرا دیگران بر تو جرأت پیدا می‌کنند.

خفقان شدید در زمان امام عسکری

ابوهاشم جعفری می‌گوید: امام عسکری علیه‌السلام مرا خواست و چوبی به من داد و فرمود: این چوب را به عثمان بن سعید بده. من آن را گرفتم و حرکت کردم. در مسیر، سقایی با قاطرش عبور می‌کرد. استر مقابل من قرار گرفت. سقا گفت: آن را از خود دور کن. من با همان چوب آن را از خود راندم؛ ناگاه چوب شکست، در میان آن نامه‌هایی وجود داشت، شتابان آن را جمع و پنهانشان کردم، ولی آن سقا همچنان به من ناسزا می‌گفت. آنگاه که خدمت امام علیه‌السلام رسیدم خادم حضرت از قول ایشان گفت: چرا قاطر را زدی و چوب را شکستی! به امام علیه‌السلام عرض کردم: نمی‌دانستم که در میان چوب چه چیزی وجود دارد. حضرت فرمود: چرا کاری کردی که نیاز به عذرخواهی پیدا کنی! هر گاه دیدی کسی به ما ناسزا می‌گوید، از آنجا عبور کن و از پاسخ دادن به او بگذر و خودت را معرفی نکن. زیرا ما در سرزمین شوم زندگی می‌کنیم. بدان که اخبار تو به ما می‌رسد در رازپوشی جدیت کن. [۲۲]. [صفحه ۲۳۷]

قیام علویان در عصر امام عسکری

در زمان امام عسکری علیه‌السلام علویان بسیاری ضد رژیم ستمگر عباسیان قیام کردند، مانند قیام حسین بن محمد بن حمزه و علی بن زید بن حسین در کوفه و احمد بن محمد بن عبدالله در مصر و چند نفر دیگر که در زندان‌های عباسیان کشته شدند. نام چند نفر از علویانی که در آن زمان به شهادت رسیدند، بدین شرح است: ۱- حسن بن محمد عقیقی از نوادگان امام حسین علیه‌السلام. ۲- حسین بن اسماعیل از نوادگان جعفر طیار. ۳- احمد بن محمد. ۴- علی بن موسی. ۵- محمد بن حسین از نوادگان امام حسن علیه‌السلام. ۶- علی بن موسی، نوهی امام کاظم علیه‌السلام. ۷- ابراهیم بن موسی. ۸- عبدالله بن محمد. ۹- محمد بن حسین. ۱۰- موسی بن موسی از نوادگان امام حسن علیه‌السلام. ۱۱- محمد بن احمد از نوادگان زید بن امام سجاد علیه‌السلام. [۲۳]. [صفحه ۲۳۸]

معجزات امام

اخبار از غیب

الف: اسماعیل بن محمد می‌گوید: سر راه امام عسکری علیه‌السلام نشستم، وقتی که از پیش من عبور کرد نزدیک وی رفتم و نیاز خود را مطرح ساختم و کمک خواستم و گفتم: به خدا قسم! یک درهم بیشتر ندارم، صبحانه و شام نیز ندارم. حضرت فرمود: به نام خدا سوگند دروغ می‌خوری، تو ۲۰۰ دینار زیر خاک پنهان کرده‌ای. یادآوری این سخن به جهت امساک از انفاق به تو نیست. سپس به غلام خود فرمود: هر چه همراه داری، به او بده. غلام نیز ۱۰۰ دینار به وی داد. سپس امام علیه‌السلام به من فرمود: این را بدان که هر گاه به دینارها احتیاج پیدا کردی، از دستیابی به آنها محروم خواهی شد. اسماعیل می‌گوید: همان گونه که امام علیه‌السلام فرموده بود، رخ داد. زیرا آن مبلغ را برای آینده‌ی خود پس‌انداز کرده بودم. پس از مدتی نیاز شدیدی به آن پیدا کردم، رفتم تا از زیر خاک بردارم، دریافتم که پسرم اطلاع پیدا کرده و پول‌ها را از آنجا برداشته و فرار کرده است. [۲۴]. [صفحه ۲۳۹]

ب: محمد بن احمد سروی می‌گوید: توسط ابوهاشم نامه‌ای به امام عسکری علیه‌السلام نوشتم و فقر و ناداری خودم را به آگاهی حضرت رساندم. حضرت پاسخ داد: مژده باد بر تو! خداوند تو را ثروتمند کرد. پسرعمویت یحیی بن حمزه از دنیا رفت و ۱۰۰ هزار درهم از او به جا مانده و به سبب نداشتن ورثه، همه‌ی آن به تو ارث می‌رسد؛ «فاشکر الله و علیک بالاقتصاد، و /ایاک و الاسراف، فانه من فعل الشیطنه»؛ شکر گزار خدا باش و بر تو باد به میانه‌روی و حتما از اسراف دوری کن زیرا اسراف از کارهای شیطانی است.

همان روزی که ابوهاشم این نامه را به من داد. خیر مرگ پسرعمویم به من رسید و پیام آور حواله‌هایی از شهر حران به همان مبلغ صد هزار درهم به من رسانید و به طور کلی از فقر و تهیدستی نجات یافتم. [۲۵].

سخن گفتن به زبان‌های مختلف

نصیر خادم می‌گوید: چندین مرتبه شنیدم که امام علیه‌السلام با غلامان ترک و رومی و غیر آن به زبان خودشان سخن می‌گفت. من تعجب کردم و با خودم گفتم: امام علیه‌السلام در مدینه متولد شده و تا هنگام رحلت پدر بزرگوارش به جایی نرفته و کسی او را ندیده است، پس چگونه به زبان‌های مختلف سخن می‌گوید؟ در همین فکر بودم، ناگاه حضرت به من رو کرد و فرمود: خداوند حجت خود را در همه چیز بر سایر مردم امتیاز بخشیده و آگاهی به [صفحه ۲۴۰] زبان‌ها، شناخت نسب‌ها و حوادث آینده را به او عطا فرموده است. اگر چنین نبود، تفاوتی میان امام و حجت خدا و سایر مردم نبود؛ «و لو لا ذلك، لم یکن بین الحجۃ و المحجوج فرق» [۲۶].

نجات یافتن ابوهاشم از زندان

ابوهاشم جعفری هنگامی که زندانی شد، مخفیانه نامه‌ای به امام عسکری علیه‌السلام نوشت و از وضع شکنجه در زندان به حضرت شکایت کرد. حضرت در پاسخ او نوشتند: تو امروز آزاد می‌شوی و نماز ظهرت را منزل خودت می‌خوانی، همان گونه که امام علیه‌السلام فرموده بود، وی همان روز آزاد شده و نماز ظهرش را در منزل خواند. ابوهاشم می‌گوید: پس از رهایی از زندان از نظر تأمین هزینه‌های زندگی در تنگنا بودم. از این رو تصمیم گرفتم که در ضمن نامه‌ای چند دینار از امام علیه‌السلام درخواست کنم؛ ولی شرم می‌کردم. طولی نکشید که امام علیه‌السلام صد دینار برایم فرستاد و برایم نوشته: هر گاه محتاج شدی، خجالت نکش و پروا مکن. از من بخواه که به خواست الهی به خواسته‌ات می‌رسی. [۲۷].

استجاب دعا

محمد بن حسن می‌گوید: از امام عسکری علیه‌السلام در ضمن نامه‌ای تقاضا کردم در مورد شفای درد یکی از چشمهایم دعا کند. زیرا یک چشمم کور [صفحه ۲۴۱] شده و چشم دیگرم شدیداً درد می‌کرد و در آستانه‌ی کوری بود. حضرت در پاسخ نوشت: خداوند چشمت را برایت نگهدارد و همین دعای حضرت موجب شفای چشمم شد. آن حضرت در پایان نامه نوشته بود: «الجرک الله و أحسن ثوابک»؛ خداوند به تو اجر و پاداش نیکو دهد. من از این جمله‌ی امام ناراحت شدم. زیرا می‌دانستم که یکی از خویشاوندانم از دنیا رفته است که امام به من تسلیت می‌گوید. پس از چند روز، خبر وفات پسر را دریافت کردم و به راز تسلیت امام آگاهی یافتم. [۲۸].

احسان به ابوهاشم جعفری

ابوهاشم جعفری می‌گوید: روزی همراه امام عسکری علیه‌السلام به صحرا رفتیم. ناگاه در مسیر به فکر قرض‌هایم افتادم که چگونه آن‌ها را پرداخت کنم. ناگهان امام علیه‌السلام به من متوجه شد و فرمود: خداوند ادا می‌کند. سپس از روی خم شد و با تازیانه‌ی خود خطی بر زمین کشید، فرمود: ای ابوهاشم! پیاده شو و بردار و پوشان. امتثال کردم و قطعه‌ای طلا- از روی زمین برداشتم. وقتی سوار شدم، پس از اندک زمانی با خودم گفتم، بسیار خوب است امام علیه‌السلام مخارج زمستان ما را نیز عطا فرماید. آنگاه از فراز اسبش به سوی زمین خم شد و با تازیانه‌اش خطی بر زمین کشید و به من فرمود: پیاده شو و آن را بردار و

پوشان. ناگاه قطعه‌ای نقره دیدم. وقتی از محضر امام [صفحه ۲۴۲] مرخص شدم، حساب کردم و دیدم به اندازه‌ی قرض و مخارج زمستان امام به من مرحمت کرده است. [۲۹].

تحول روحی شکنجه‌گران امام عسکری

از طرف معتمد عباسی، امام عسکری علیه‌السلام را دستگیر و زندانی کردند. رئیس زندان شخصی به نام «صالح بن وصیف» بود. چند نفر از وابستگان طاغوت به او سفارش کردند که به امام سخت بگیرد. در پاسخ گفت: چه کنم؟ دو نفر از نانجیب‌ترین افراد را برگزیده و آن دو را مأمور شکنجه کردن حسن بن علی کردم؛ ولی آنان با مشاهده‌ی وضع معنوی و روحی و عبادت آن حضرت چنان دگرگون شدند که همواره به عبادت و نماز و روزه اشتغال دارند. آن دو را خواستم و گفتم: شما چرا چنین شده‌اید؟ آیا از امام چیزی دیده‌اید؟ در پاسخ گفتند: چه می‌گویی درباره‌ی شخصی که روزها را روزه و شب‌ها را از آغاز تا پایان به عبادت مشغول است، نه سخن می‌گوید، نه به چیزی سرگرم می‌گردد. وقتی به چهره‌ی او نگاه می‌کنیم، رگ‌های ما به لرزه می‌افتاد و چنان منقلب می‌شدیم که توان کنترل نداشتیم. وقتی که وابستگان طاغوت چنین گزارش شنیدند، ناامید برگشتند. [۳۰]. [صفحه ۲۴۳]

شهادت امام حسن و سه نشانه‌ی امامت حضرت مهدی

ابوالأدیان یکی از شیعیان خاص و نامهران امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌گوید: آن حضرت در بستر شهادت، مرا به حضور طلبید و چند نامه به من داد و فرمود: این نامه‌ها را به مداین ببر و به صاحبانش برسان و پس از پانزده روز مسافرت، وقتی به شهر سامرا بازگشتی، از خانه‌ی من صدای گریه و عزاداری می‌شنوی و جنازه‌ی مرا روی تخته‌ی غسل می‌نگری. ابوالأدیان گفت: ای آقای من! اگر چنین پیش آید، به چه کسی مراجعه کنم؟ حضرت فرمود: به کسی رجوع کن که دارای سه علامت باشد: ۱- پاسخ‌های نامه‌های مرا از تو مطالبه کند. ۲- کسی که بر جنازه‌ی من نماز می‌خواند. ۳- آن که از محتوا و اشیای داخل همیان خبر دهد، او قائم بعد از من است. سپس شکوه امام علیه‌السلام مانع شد که سؤال بیشتری کنم. آن گاه به سوی مداین رفتم و نامه‌ها را به صاحبانش دادم و پاسخ‌های آن‌ها را گرفتم و پس از پانزده روز به سامرا بازگشتم، ناگاه همان گونه که فرموده بود، صدای گریه و عزا از خانه‌ی امام حسن عسکری علیه‌السلام شنیدم، به خانه‌ی آن حضرت آمدم، ناگاه دیدم جعفر کذاب (برادر آن حضرت) در کنار در خانه ایستاده و جمعی از شیعیان اطراف او را گرفته‌اند و به او تسلیت گفته و برای امامت پس از امام حسن عسکری علیه‌السلام مبارک باد می‌گویند. [صفحه ۲۴۴] سپس «عقید» (غلام امام حسن علیه‌السلام) آمد و به جعفر گفت: ای آقای من! جنازه‌ی برادرت کفن شد، برای نماز بیا، جعفر و شیعیان اطراف او وارد خانه شدند، من نیز همراه آن‌ها بودم و در برابر جنازه‌ی کفن شده‌ی امام حسن عسکری علیه‌السلام قرار گرفتیم. جعفر پیش آمد تا نماز بخواند، همین که آماده‌ی تکبیر گفتن شد، کودکی که صورتی گندمگون و موی سرش به هم پیچیده و میان دندان‌هایش گشاده بود، پیش آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: «تأخر یا عم! فأنا أحق بالصلاة علی أبی»؛ ای عمو! به عقب برگرد، من برای نماز خواندن بر جنازه‌ی پدرم سزاوارم. جعفر بن عقب بازگشت، در حالی که چهره‌اش تغییر کرده و غبار گونه شده بود. آن کودک جلو آمد و نماز خواند، سپس آن حضرت را در کنار قبر پدرش امام هادی علیه‌السلام در شهر سامرا به خاک سپرد. سپس آن کودک به من گفت: پاسخ‌های نامه‌ها را به من بده، آن‌ها را به آن کودک دادم و با خود گفتم: این دو نشانه (نماز و مطالبه‌ی نامه‌ها) اما نشانه‌ی سوم (خبر از محتوای همیان) باقی مانده بود. سپس نزد جعفر کذاب رفتم و دیدم مضطرب است، شخصی به نام «حاجز و شاء» به جعفر گفت: آن کودک چه کسی بود؟ (حاجز می‌خواست با این سؤال، جعفر را در حجتش درمانده سازد.) جعفر گفت: به خدا سوگند! هرگز آن کودک را ندیده‌ام و نشناخته‌ام. ابوالأدیان در ادامه‌ی سخنانش گفت: ما نشسته بودیم، ناگاه چند نفری [صفحه ۲۴۵] از قم آمدند و جویای امام حسن عسکری

علیه‌السلام بودند، دریافتند که آن حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: امام پس از او کیست؟ مردم با اشاره، جعفر را به آنان نشان دادند. ایشان بر جعفر سلام کردند و به او تسلیت و تهنیت گفتند و عرض کردند: همراه ما نامه‌ها و اموالی است، به ما بگو: نامه‌ها را چه کسی فرستاده و اموال چه مقدار است؟ در این هنگام خادم (از جانب امام عصر علیه‌السلام) بیرون آمد و گفت: نزد شما نامه‌هایی است از فلان شخص و فلان شخص (نام آن‌ها را به زبان آورد) و در نزد شما همیانی است که هزار دینار دارد، ده دینار آن طلاها روکش دارد. قمی‌ها آن نامه‌ها و همیان را به آن خادم دادند و گفتند: امام همان شخصی است که تو را نزد ما فرستاده است. (به این ترتیب سومین نشانه نیز آشکار شد). [۳۱].

حرم عسکرین

حضرت هادی علیه‌السلام را در منزلی که در شهر سامراء خریده بود، پس از شهادتش در همان منزل دفن کردند و بعد از حضرت هادی امام عسکری و حکیمه خاتون و نرجس خاتون، مادر امام زمان علیه‌السلام در کنار حضرت دفن گردیدند. در روی مرقده مطهر حضرت عسکرین علیهماالسلام صندوق نیست، بلکه ساختمانی از کاشی و گچ بنا شده است. [صفحه ۲۴۶]

ضریح

ضریح مطهر که از فولاد ساخته شده و از آثار دوره صفویه است که از سوی سلطان حسین صفوی در سال ۱۱۱۰ تقدیم شده است، تا زمان فتحعلی شاه قاجار که ضریحی از نقره ساخته شده و بر روی قبر نصب شده است.

حرم مطهر

روضه‌ی عسکرین علیهماالسلام یکی از بزرگترین حرم‌های مشاهد مشرفه است و از چهار طرف چهار صدفی بزرگ دارد. داخل روضه ۱۲ ضربدر ۱۲ متر غیر از صدف‌ها است و هر صدف ۶ متر در ۴ متر است که به رواق می‌رود. همه‌ی درهای حرم از نقره ساخته شده است؛ یکی در سال ۱۳۴۳ که حاجی سهم الملک واقعی و دیگری در سال ۱۳۴۴ و سومی در سال ۱۳۴۵ به وسیله زوار تقدیم شده است.

قبه و بارگاه

روی روضه‌ی منوره قبه و بارگاه بزرگی بنا شده که بسیار زیبا و بلند است و در زمان ناصرالدین شاه و به کمک او در سال ۱۲۸۵ تمام شده است. ارتفاع گنبد تقریباً ۴۰ متر است که از درون به آینه و از بیرون به طلا زینت یافته است.

رواق

رواق حضرت عسکرین علیهماالسلام حدود ۲۰ ضربدر ۲۰ متر می‌شود که دارای آینه کاری بسیار مجلل و زیبایی است. [صفحه ۲۴۷]

صحن

صحن حضرت عسکرین چون دارای حجرات اطراف نیست، جز سمت جنوبی آن که دو حجره در دو طرف در ورودی صحن

دارد، فضای آن از صحن نجف و کاظمین بزرگتر است از طول ۱۸ غرفه و از عرض ۱۶ غرفه با در ورودی که دارد طول آن حدود ۶۵ ضربدر ۵۵ متر است. [۳۲].

سرداب مطهر

در شهرهای عراق که هوا در تابستان گرم می‌شود، برای استراحت اهالی در هر خانه‌ای زیرزمینی تهیه می‌کنند که آن را سرداب می‌گویند و در آنجا زندگی می‌کنند. قبور منور امامین هم‌امین در خانه‌ی مسکونی حضرت هادی علیه‌السلام واقع شده و صحن کنونی همان خانه‌ی حضرت است و سرداب مطهر نیز داخل در خانه بوده و مدت ۱۷ سال محل عبادت و استراحت آن دو بزرگوار بوده است و در زمان غیبت جمعی از صلحا و بزرگان در آنجا به خدمت امام زمان علیه‌السلام مشرف شده‌اند. محدث قمی در «هدیه الزائرین» می‌نویسد: این سرداب در کتب مزار جمله‌ای از متأخران معروف به سرداب است، گر چه بعضی گفته‌اند: امام زمان علیه‌السلام در کودکی داخل آن سرداب شده و مادرش نرجس خاتون ایستاده و به او نگاه می‌کرد تا از نظرش غائب شد. [۳۳]. و الحمدلله رب العالمین علی اتمامه اللهم تقبل منا انک انت السميع العليم

پاورقی

- [۱] أنوار البهیة، ص ۴۹۰؛ بحار، ج ۵۰، ص ۲۳۶.
- [۲] کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۸۰.
- [۳] بحار، ج ۵۹، ص ۳۲۲.
- [۴] مناقب، ج ۴، ص ۴۲۳.
- [۵] اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۱.
- [۶] اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۴۱.
- [۷] بحار، ج ۵۰، ص ۲۶۲.
- [۸] کشف الغمّة، ج ۳، ص ۲۸۳.
- [۹] بحار، ج ۵۰، ص ۲۹۹؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۰۰.]
- [۱۰] کافی، ج ۱، ص ۵۱۲؛ بحار، ج ۵۰، ص ۲۵۴.
- [۱۱] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۲.
- [۱۲] بحار، ج ۷۸، ص ۳۸۰.
- [۱۳] تحف العقول، ص ۴۸۶٪.
- [۱۴] تحف العقول، ص ۴۸۷.
- [۱۵] تحف العقول، ص ۴۸۹.
- [۱۶] بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۳.
- [۱۷] تحف العقول، ص ۴۸۹.
- [۱۸] بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۴.
- [۱۹] تحف العقول، ص ۴۸۸.
- [۲۰] بحار، ج ۷۸، ص ۳۷۴.

- [۲۱] بحار، ج ۷۸، ص ۴۸۶.
- [۲۲] بحار، ج ۵۰، ص ۲۸۵.
- [۲۳] مقاتل الطالبیین، ص ۴۳۱.
- [۲۴] کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۳.
- [۲۵] کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۱۴.
- [۲۶] کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۸۷.
- [۲۷] بحار، ج ۵۰.
- [۲۸] کافی، ج ۱، ص ۵۱۰.
- [۲۹] بحار، ج ۵۰، ص ۲۵۹.
- [۳۰] کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۹۰.
- [۳۱] سیره‌ی چهارده معصوم، ص ۹۵۴.
- [۳۲] مجموعه‌ی زندگانی چهارده معصوم، ۱۳۳۴.
- [۳۳] تاریخچه‌ی شهر سامرا، ص ۴۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

